

لبریز کند و از آن برای خدمت به مردم و پیکار سیاسی بهره نجویید، عالم دین نیست.

در حقیقت در حالی که پیکار سیاسی و اجتماعی با شیوه‌های بوروکراسی و مبادله اتهامات ناروا و درگیری‌های لفظی و رویارویی حاشیه‌ای مردم را بدبین می‌کند. این حضور مردان قابل اعتماد و امین در صحنه سیاسی و رسیدگی و نظارت بر امور مردم و برنامه‌ریزی و اجرای شایسته راهکارهاست که در مردم اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و آنان را امیدوار می‌سازد. شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم متأسفانه در دوران پیکار سیاسی متحمل تهمت‌های ناروا شد، و با سعه صدر و بردباری در برابر آنها مقاومت کرد، او بر این باور بود که پیکارگران باید تاوان درگیری‌های حاشیه‌ای و برخوردهای انفعالی را بپردازند و کسانی که وارد پیکار سیاسی می‌شوند، باید خود را برای پذیرش درگیری‌های حاشیه‌ای آماده کنند، این امکان برای او وجود داشت که گوشه‌گیری را انتخاب کند و همانند بسیاری از افراد دیگر احترام و قدردانی مردم را برای خود محفوظ نگه دارد اما، او ترجیح داد حرمت خویش را بشکند اما، بار سنگین مسئولیت را بر زمین نگذارد.

ضرورت حضور عالم دین در صحنه پیکار و بر عهده گرفتن مسئولیت، یک بعد قضیه است و بعد دیگر آن نیز به تکلیف مردم در پشتیبانی از عالم دین و پیکارگر بستگی دارد. این دو بعد جدای از یکدیگر نیستند، چرا که اگر حضور علمای دین در صحنه پیکار سیاسی یک وظیفه شرعی است، پشتیبانی توده مردم از دیدگاه و رفتار آنان نیز یک وظیفه شرعی است، حضور علمای دین در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کفایت نمی‌کند، مگر اینکه از پشتیبانی توده مردم، و حضور فعال اقشار سالم و صالح و نیروهای امنیتی برخوردار باشند، صحنه پیکار سیاسی و اجتماعی نباید خالی بماند، و این خلا جایز نیست برای مدت طولانی ادامه یابد، اگر افراد شایسته و سالم و فداکار صحنه را خالی گذاشتند، بی تردید دسته‌های جنایتکار و فرصت طلب این خلأ را پر می‌کنند، آن‌گونه که در چهار دهه گذشته در عراق شاهد آن بوده‌ایم و تاوان سخت و سنگینی در ازای این سهل‌انگاری پرداختیم.

منظورم سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی در مبارزه با ستمکاران نبوده است، چرا که در جهاد با ستمکاران عزیزترین فرزندان خویش را در راه خدا قربانی کرده‌ایم، منظورم از سهل‌انگاری

امروزه صحنه سیاسی عراق بیش از هر چیز دیگر به آگاهی سیاسی متعادل و منطقی و موضوعی و منسجم با موازین شرعی نیاز دارد. همزیستی و همکاری میان مسلمانان شیعه و سنی در عراق یک امر ضروری است. همزیستی میان پیروان این دو طایفه در طول ۸۰ سال گذشته بسیار مثبت بوده است.

شهر نجف اشرف نیز همچنان مسئولیت‌هایی سنگین را بر عهده داشت. پیکار سیاسی و جهاد در راه خدا استعدادها و مهارت‌های او را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی گسترش داده و در پیکار سیاسی تجربه و تبحری بی‌نظیر کسب کرده بود که کمتر کسی به چنین امکانی دست می‌یافت، مرحله که شهید حکیم پیش از مهاجرت از عراق و پس از بازگشت به این کشور که در آن مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی برعهده داشت، از سخت‌ترین و دشوارترین مراحل تاریخ معاصر عراق است.

تجربه پیکار طولانی و حضور فعال در صحنه سیاسی، از شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، یک چهره برجسته سیاسی و رهبری فعال در جهان اسلام و رکنی از مهم‌ترین ارکان پیکار سیاسی در عراق ساخته بود. او واقعا نماد مظلومیت مردم عراق پیش از سرنگونی رژیم صدام و امید توده مردم پس از سرنگونی صدام بود. شهادت او، ضایعه بزرگی بود که از خداوند متعال مستلث دارم، با رحمت و کرم خود این ضایعه را جبران کند.

شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم همواره بر ضرورت مشارکت فعال علمای دین در مسایل سیاسی تأکید می‌کرد، چرا که تصدی مسئولیت‌های سیاسی، بخشی جداناپذیر از مسئولیت‌های علمای دین است. حضرت امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) در خطبه شقشقیه می‌فرماید: (وما اخذ الله علی العلماء الا یقاروا علی کظه ظالم ولا یسغب مظلوم). کسی که جان و عقل خود را با دانش‌های گوناگون

چنانچه فرزندان ما، خواسته باشند تاریخ این مرحله را بازخوانی کنند، شایسته است که بدانند پدران‌شان از کدام گذرگاه تاریخ عبور کرده‌اند، و این رسالت را چگونه بر دوش آنها نهاده‌اند، تدوین درد و رنج‌های این مرحله، برای اینکه فرزندان، عظمت پدران‌شان را به ارث ببرند کافی نیست، چه هدف از تدوین تاریخ مرحله کنونی برای این است تا فرزندان ما به ارزش میراث فرهنگی و سیاسی خود که با تحمل درد و رنج به آنها رسیده است پی ببرند و از آن پاسداری نمایند. شایسته است فرزندان ما این سفر نامه پر درد و رنج را که ۳۵ سال طول کشید، خوب بشناسند و بدانند که هیچ خانواده‌ای در این مدت از ترکش این درد و رنج‌ها در امان نبوده است. شکی نیست که تاریخ از بازگو کردن درد و رنج زندان‌ها، اعدام‌های دست جمعی، تعقیب جوانان، جو خفقان آور و رعب وحشت ناتوان است، چه بسا خانواده‌هایی که در کشورهای گوناگون آواره و پراکنده نشدند، چه بسا پدران و مادرانی که فرزندان‌شان یکی پس از دیگری به دست دژخیمان طاغوت روده شد، چه بسا جوانانی که بهترین دوران جوانی‌شان را در سیاه چال زندان‌ها سپری نکردند. چه بسا بهترین جوانان با استعداد و با مهارت که در جنگ‌های بیهوده و در زندان‌های نظام و در تبعیدگاه‌ها و جنگ و گریزها و میادین اعدام از بین رفتند.

با وجود اینکه تاریخ پیروان اهل بیت (ع) از دوران خلافت امویان گرفته تا امروز همواره خونین و سرشار از سرکوب بوده است، اما، درد و رنج‌ها و عذاب و نسل‌کشی که در مرحله حکومت حزب بعث نسبت به شیعیان صورت گرفته، از همه مراحل قبلی وحشیانه‌تر بوده است.

شهید محراب، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در چنین برهه‌ای سخت و طاقت‌فرسا می‌زیسته و درد و رنج‌های آن را به جان خرید و زندان، شکنجه و آوارگی را متحمل شده، در برابر شهادت برادران و افراد خانواده‌اش کمر خم نکرده است. او با سرافرازی و سربلندی به لقاء الله پیوست و از درد و رنج‌های مرحله کنونی درس‌های فراوان آموخت، اما، هرگز تسلیم نشد، با شهادت او، تجربه حدود ۴۰ سال پیکار سیاسی و اجتماعی را از دست دادیم. او که در زمان حیات پدرش سیدمحسن حکیم، موقعیت‌ها و مسئولیت‌های کلیدی را بر عهده داشت، پس از ارتحال پدر تا لحظه لقاء الله در

شهید حکیم با سرافرازی و سربلندی به لقاء الله پیوست...

آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی

نظر به اینکه در زمان تدارک موضوعات این ویژه‌نامه آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی یکی از شاگردان نامدار شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر (ره) و یکی از مسئولان پیشین حزب‌الدعوه اسلامی در عراق به سر می‌برد و امکان دسترسی به ایشان وجود نداشت، ایشان زحمت کشیده و نقطه نظرات خود درباره شهید محراب را به صورت مکتوب برای «شاهد یاران» ارسال کرده‌اند که ضمن تشکر از ایشان از نظر تان می‌گذرد:



■ لحظه عروج ملکوتی آیت‌الله حکیم در نجف اشرف.



را به سوی برنامه‌های خودشان بکشاند، بی‌تردید، تجاوز به خطوط قرمز کاری نادرست است و مجاز نیست، چه میان طرح‌هایی که اشغالگران می‌خواهند، بر ما تحمیل کنند و طرح‌هایی که ما می‌خواهیم بر اشغالگران تحمیل کنیم، تفاوتی کلی وجود دارد. به هر حال، کشورمان امروزه در اشغال قرار دارد، من نمی‌خواهم اهداف و عناوین مرحله کنونی را وارونه جلوه دهم اما، بر این باورم کسانی که در شیوه برخورد با طرح‌های تحمیلی اشغالگران، و طرح‌هایی که پیکارگران مسلمان شیعه می‌خواهند بر اشغالگران تحمیل کنند، تفاوت قائل می‌شوند، نمی‌توانند از شرایط موجود برای خدمت به منافع توده مردم محروم و سرکوب شده بهره‌مند شوند.

شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در تشخیص حدود و نیازمندی‌های شعارهای سیاسی و برخورد انعطاف‌پذیر با وضع موجود و روش بهره‌بردار از آن به نفع توده مردم بسیار دقیق بود، چرا که این مردم در طول نیم قرن گذشته و در سایه سرکوب سیاسی و فرقه‌گرایانه به شدت تحت فشار قرار داشتند و اکنون بیش از هر چیز به آسایش و زندگی پویا نیاز دارند.

امروزه صحنه سیاسی عراق بیش از هر چیز دیگر به آگاهی سیاسی متعادل و منطقی و موضوعی و منسجم با موازین شرعی نیاز دارد. همزیستی و همکاری میان مسلمانان شیعه و سنی در عراق یک امر ضروری است. همزیستی میان پیروان این دو طایفه در طول ۸۰ سال گذشته بسیار مثبت و سازنده بوده و لازم است، میان این همزیستی و گرایش‌های فرقه‌گرایانه که مردم عراق در سایه حکومت حزب بعث از آن رنج برده‌اند، تفاوت قائل بود. حوزه پیکارگران اهل سنت در عراق، حوزه حرکت فرقه‌گرایانه نیست، در هر راه کاری برای دور کردن شیخ فرقه‌گرایی در عراق لازم است، بر ضرورت همزیستی میان شیعه و سنی و تحکیم روابط میان پیروان آن دو مذهب و اصرار بر تعهد به شعارهای وحدت و تفاهم و همکاری میان شیعه و سنی تأکید کرد، در عین حال باید نسبت به امکان بازگشت طایفه‌گری سیاسی هشیار باشیم. نباید به عناصر مشکوک اجازه داد، میان پیروان شیعه و سنی تفرقه ایجاد کنند، تاریخ صد سال گذشته نشان می‌دهد که پیروان شیعه و سنی از میزان آگاهی بسیار بالا برخوردارند و این آگاهی آنان را از فتنه طایفه‌گری مصون می‌دارد، از خداوند متعال مسئلت دارم که شهید محراب، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم این رهبر آگاه و فرزانه را که به دست جنایت کاران کور دل به شهادت رسید، قرین رحمت گرداند، در این شرایط سخت و پیچیده جقدر به حضور او نیاز داریم. ■

با استعداد تبدیل شده است، همه جریانات و گروه‌های مبارز گذشته وظیفه دارند، راه‌های تکامل و همکاری و تفاهم را شناسایی و از اختلاف و پراکنده کاری پرهیز کنند، باید در رفتار سیاسی مان، شعارهای عاطفی و تبلیغاتی را کنار بگذاریم و با دور اندیشی و تیز هوشی به مسائلی نگاه کنیم، جایز نیست با شعارها، بر وضع سیاسی موجود سرپوش بگذارند، باید شرایط دقیق سیاسی وضع موجود را با دقت و منطق و عقل بساز نگری کنیم، اگر حوزه‌های پیکار مخالفان، در دوران حکومت حزب بعث تنگ و محدود بوده، اکنون دامنه صحنه سیاسی باز و گسترده شده است و توان پذیرش همه جریانات و گروه‌ها را دارد.

همان‌گونه که طرح شعار در مرحله پیکار سیاسی و جهادی یک نیاز مبرم است، بی‌تردید چهره استراتژی بلند مدت جنبش سیاسی را تشکیل می‌دهد اما، با این وصف نباید تحت تأثیر

با وجود اینکه تاریخ پیروان اهل بیت (ع) از دوران خلافت امویان گرفته تا امروز همواره خونین و سرشار از سرکوب بوده است، اما، درد و رنج‌ها و عذاب و نسل‌کشی که در مرحله حکومت حزب بعث نسبت به شیعیان صورت گرفته، از همه مراحل قبلی وحشیانه‌تر بوده است.

شعارها قرار گیریم، لازم است در پرتو منافع کوتاه مدت و بلند مدت مردم و امت و طبق موازین شرعی حرکت کنیم. در ماه‌های آخر پیش از شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، با دیدگاه‌های منطقی و موضع‌گیری‌های عقلانی او به روشنی آشنا شدیم، او ضمن تعهد به شعارهای سیاسی در رفتارهای اخلاقی، همواره بر مشارکت همگانی در فعالیت‌های سیاسی و در اجرای برنامه‌های از پیش تعیین شده و در حدود موازین شرع تأکید می‌کرد.

موضع‌گیری منفی، بی‌تفاوتی، گوشه‌گیری و اتخاذ موضعی غیر مسئولانه دستاوردی در پی ندارد، همه این رویکردها، این امکان را به دشمنان می‌دهد تا نقش افراد سالم و گروه‌های دلسوز را کم رنگ کنند و آنها را از صحنه دور سازند و مردم

و سستی این است، که عناصر صالح و سالم، صحنه را خالی گذاشته و از پشتیبانی پیکارگران خودداری کردند. این دو مسئله با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و به درستی که راه کار جهاد با ستمکاران و مبارزه با زمامداران فاسد، بخشی از اصول دین اسلام را تشکیل می‌دهند، و اگر مسئله پشتیبانی از عناصر شایسته و سالم و پیکارگر و متصدی پیکار سیاسی و اجتماعی به آن پیوند نخورد، راه کار سیاسی جنبش امت که شرط دوم راه کار جهاد با ستمکاران است، تشکیل نمی‌شود. جهاد با ستمکاران و مبارزه با زمامداران فاسد، اقتضا می‌کند که اختلافات خود را پیرامون مسائل جزئی کنار بگذاریم، منظورم این نیست که با یکدیگر گفت‌وگو نکنیم و به تفاهم برسیم و بی‌چون و چرا تسلیم دیگران شویم. منظورم این است که اختلاف نظر، عامل بازدارنده پیکار امت نباشد، اگر توانیم با یکدیگر به تفاهم برسیم، دست کم اجازه ندهیم حرکت و پیکار امت متوقف گردد، هنگام بروز اختلاف نظر سعی کنیم، به دیدگاه مشترک دسترسی پیدا کنیم. اگر با یکدیگر تفاهم داشتیم و با میل و رغبت با یکدیگر به تفاهم می‌رسیدیم، هرگز یک نظام کافر و فاسق و ظالم حدود ۴۰ سال بر ما حکومت نمی‌کرد.

در حقیقت شیوه رفتار و تعامل فی‌مابین در پیکار سیاسی به تجدید نظر جدی نیاز دارد. اخلاق رفتاری فی‌مابین در پیکار سیاسی این اجازه را به ما می‌دهد تا در واقعیت سیاسی موجود تجدید نظر کنیم. اگر بگوئیم علت اصلی ظلم و ستمی که از سوی نظام‌های ظالم و مستبد در این مرحله بر سر ما می‌آید، در نتیجه شیوه رفتار ما در صحنه سیاسی است، اغراق نگفته‌ایم.

مسئولیت مرحله پس از صدام

اکنون دوران طولانی ظلم و فساد و بی‌عدالتی باند جنایت کاری که حدود ۴۰ سال بر عراق حکومت می‌کرد، سپری شده است. این باند جنایتکار همه چیز را مصادره کرد. همه چیز را فاسد کرد. همه ارزش‌های انسانی را هتک حرمت کرد. نسل انسان و کشاورزی را بر باد و فساد را در خشکی و دریا رواج داد. اخلاق و فرهنگ مردم را تباہ کرد. میراث فرهنگی و ثروت‌های طبیعی سرزمین را قرین غارت کرد. نمی‌دانم درباره میزان جنایات این باند جنایتکار در این مرحله چگونه سخن بگویم.

اکنون که به برکت خداوند متعال این مرحله سپری و شب تاریک به پایان رسیده و در برابر انبوه مشکلات و اوضاع پیچیده قرار گرفته‌ایم، باید راه‌های همکاری و رفتار متقابل با یکدیگر را بشناسیم، اکنون کشور عراق به رغم میزان گسترده خرابی‌ها و ویرانی ۴۰ سال گذشته، و با توجه به حضور اشغالگران، به میدانی وسیع و باز برای پذیرش همه توان‌های

